

## چکیده

بخش‌هایی از مطالب این مقاله برگرفته از تحقیقاتی است با نام «طراحی شهری و جایگاه آن در نظام سلسله مراتبی طرح‌های توسعه شهری» که با هدف آشنایی علاقه‌مندان - به ویژه تصمیم‌گیران و مدیران شهری - به جایگاه طراحی شهری در نظام مذکور، تدوین گردیده است.

خاستگاه اندیشه برنامه‌ریزی به اعمال حاکمیت دولت و تسهیل و توجیه دخالت دولت‌ها در اداره امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشور ما برمی‌گردد. از پایان سده نوزدهم و آغاز سده بیستم، به دنبال حادث شدن مسائل ناشی از توسعه صنعتی و گسترش سریع شهرنشینی در غرب، مجموعه‌ای از نظریه‌ها و راه‌حل‌ها برای نظم‌بخشی و ساماندهی توسعه شهری در کشورهای مختلف امریکا و اروپا مطرح گردید، که در نهایت به پیدایش «دانش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای» در دهه سوم سده بیستم انجامید.

در دهه ۸۰ میلادی با روند جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، فروپاشی نظام سیاسی اتحاد شوروی، تقویت اتحادیه اروپا، کاهش مشروعیت و اقتدار دولت، افزایش نقش نهادهای مدنی و مشارکت، رشد تکثیرگرایی و نهادهای حفاظت و نظایر اینها، گرایش به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و افزایش اختیارات نهادهای محلی بیش از پیش تقویت گردید. در نتیجه الگوها و روش‌های برنامه‌ریزی نیز بدین ترتیب بیش از پیش به سوی برنامه‌ریزی مشارکتی و دموکراتیک کشانیده شد. اکنون برنامه‌ریزی دموکراتیک، نوعی الگوی پارادایم جدید در برنامه‌ریزی شهری کشورهای پیشرفته به شمار می‌آید، که سوگیری نظری و عملی این رشته از دانش انسانی را به سوی آینده و شرایط سده بیست و یکم نشان می‌دهد. دانش طراحی شهری به کیفیت محیط شهری می‌پردازد و برای ارتقای آن تلاش می‌کند. در این میان طراحی شهری به عنوان ابزار رونق و توسعه شهرها، اهمیت زیادی یافته است. این اهمیت به خاطر رقابت روزافزونی است که میان شهرهای مختلف برای جلب سرمایه و توسعه اقتصادی در گرفته است. در کشور ما مدیران و تصمیم‌گیران، هنوز بر ضرورت دانش طراحی شهری و اهمیت ارتقای کیفی شهرهای مان برای خود شهروندان و رقابت در عرصه جهانی پی نبرده‌اند و از مزایای اقتصادی و سیاسی آن کاملاً آگاه نیستند. در شرایط حاضر نظام هدایت شهری کشور با الگوی شناخته «طرح جامع / طرح تفصیلی»، و به تازگی نیز با طرح‌های ساختاری - راهبردی، عمل می‌کند. اینک برنامه‌ریزان و طراحان شهری به این

## بخش ویژه

### طراحی شهری

# طراحی شهری و جایگاه آن در سلسله مراتب طرح‌های توسعه شهری

فرهاد سلطانی آزاد  
کارشناس ارشد معماری

مطالعه مدیریت شهری / شماره ۸ / بهار ۱۳۸۱

حقیقت دست یافته‌اند که هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به بالارفتن کیفیت زندگی در مسیر توسعه پایدار، رفاه و عدالت اجتماعی است. دانش طراحی شهری، دانشی در کنار سایر علوم شهری است که می‌باید توانایی برقراری ارتباط و همکاری با دیگر دانش‌های مداخله‌گر شهری را داشته باشد. این دانش‌ها دامنه وسیعی از برنامه‌ریزی‌های کاربری و ترابری تا اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری، حقوق، مدیریت شهری، محیط زیست، روان‌شناسی و جز اینها را در بر می‌گیرند. طراحی شهری می‌تواند به ریزترین جزئیات شهری در مقیاس خرد تا دخالت در کلان‌ترین سطوح مدیریتی در جنبه‌های کیفی آن بپردازد.

با نگاهی گذرا به تجربیات و فصل‌هایی از طرح‌های توسعه که به مسئله کیفیت پرداخته‌اند می‌توان دریافت که با هر چه نزدیک‌تر شدن به زمان کنونی، مسائل طراحی شهری چنان با تمام زمینه‌های شهر در می‌آمیزد که به صورت بخشی جدایی‌ناپذیر از آن در می‌آید. دیدگاه طراحی شهری تنها منحصر به کنترل و حل مسائل سیمار منظر نیست، بلکه زمینه‌های بسیار وسیعی را در بر می‌گیرد که جای همه آنها در طرح‌های توسعه شهری کشور ما خالی است.

#### مقدمه

تجربه سه دهه اخیر شهرسازی کشور، نشان از تأکید بر برنامه‌ریزی کاربری زمین، برنامه‌ریزی حمل‌ونقل و طراحی شبکه‌گردبندی دارد. در تمام طول این سال‌ها هیچ‌گاه بازتاب‌های روانی این اقدامات، که کیفیت محیط شهری را تشکیل می‌دهد، بر شهروندان مورد توجه قرار نگرفته است. دانش طراحی شهری به کیفیت محیط شهری می‌پردازد و در جهت ارتقای آن تلاش می‌کند.

طرح‌های شهری، چه در مقیاس طرح‌های جامع و تفصیلی و چه در ابعاد طرح‌های آماده‌سازی زمین که به جنبه‌های اجرایی‌تر و عملی‌تر می‌پردازند، در محصول نهایی خود فضای شهری را به وجود می‌آورند. فضای شهری ابعاد کمی و کیفی را در بر دارد که از آن میان دانش طراحی شهری به ابعاد کیفی شهر و فضای شهری توجه می‌کند. به بیان دیگر، برنامه‌ریزی کاربری زمین و حمل‌ونقل بدون توجه به تأثیرات روانی آن بر فضای شهری و کیفیت محیط شهری نمی‌تواند نقش مؤثر و اصلی خود را در هدایت و کنترل فضای شهری ایفا کند.

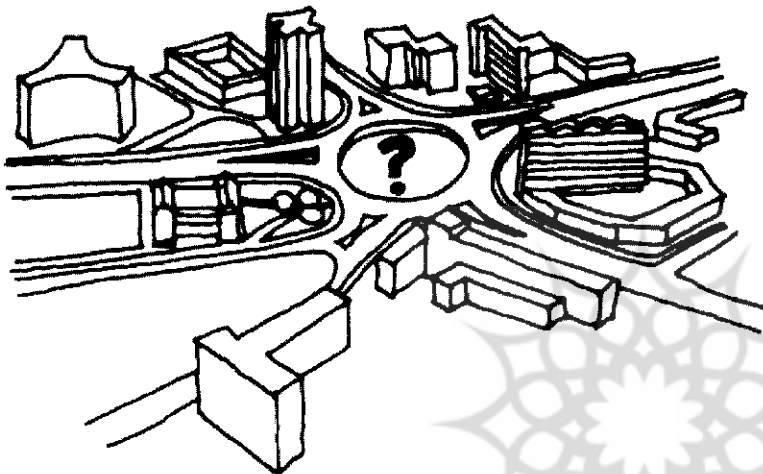
در شهرسازی کشور ما هیچ‌گاه ابعاد کیفی فضای شهری در تمامی مقیاس‌ها مورد توجه قرار نگرفته است. به رغم تلاش‌های انجام شده، طراحی شهری در ساز و کارها و ابزارهای متداول هدایت شهری کشورمان جای تثبیت شده و رسمی پیدا نکرده، و در واقع جای آن در اسناد رسمی نظام هدایت شهری خالی است.

در شرایط حاضر نظام هدایت شهری کشور تحت الگوی شناخته شده «طرح جامع - طرح تفصیلی» و به تازگی نیز «طرح‌های ساختاری - راهبردی» عمل می‌کند؛ هر چند هنوز طرح‌های رایج و اجرایی شهرهای ما همان نظام جامع - تفصیلی است. در این نظام تأکیدات صرفاً بر بخش‌های برنامه‌ریزی و حمل‌ونقل است و جای سایر دانش‌ها و تخصص‌ها - از جمله طراحی شهری - در این نظام خالی است. این الگو پاسخگوی موضوعات اساسی مانند حفاظت محیط زیست و منابع طبیعی، ایمنی و حفاظت از جان و مال شهروندان، هماهنگی الگوی کاربری اراضی با نظام حمل‌ونقل شهری (پیاده و سواره)، مشارکت شهروندان، مدیریت اقتصادی و اجتماعی، نظام سه بعدی، حفاظت تاریخی و میراث فرهنگی شهر و بسیاری از مسائل دیگر از این دست نیست.

نتیجه آن شده است که نظام هدایت شهری در مرحله تهیه اسناد برنامه عناصر اصلی هدایت کیفی را شامل نمی‌شود و در مرحله اجرا و تحقق پذیری نیز به دلیل غیر واقع‌بینانه بودن موفق نیست. سلطه ساختار متمرکز تولید اسناد، موجب انزوای این برنامه‌ها و دور ماندن آنها از واقعیت موجود می‌گردد و در نتیجه شهرها را با تناقض و بی‌برنامگی روبرو می‌کند. این مقاله با هدف آشنایی با جایگاه طراحی شهری در نظام سلسله‌مراتبی تهیه طرح‌های توسعه شهر، به ویژه

تصمیم‌گیران و مدیران شهری، تدوین گردیده است.

بسه منظور تعیین جایگاه طراحی شهری نخست باید اهداف این اقدام را مشخص ساخت. این اهداف بدین شرح تعیین



می‌شوند:

- مشخص کردن جایگاه طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری.
  - تعیین چگونگی تلفیق طراحی شهری و برنامه‌ریزی شهری در فرایند عمومی تهیه طرح‌های توسعه شهری.
  - تعیین جایگاه طراحی شهری در فرایند تصمیم‌سازی طرح‌های توسعه شهری.
  - مشخص کردن تأثیر تصمیمات برنامه‌ریزی شهری بر شکل شهر.
- در فرایند تعیین جایگاه طراحی شهری در نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری، پرسش‌هایی از این دست می‌توانند مطرح گردند:

- ۱- رابطه طراحی شهری با برنامه‌ریزی شهری و سایر دانش‌های مداخله‌گر در شهر چیست؟
- ۲- دانش طراحی شهری با پروژه‌های طراحی شهری چه تفاوت‌هایی دارند؟
- ۳- جایگاه طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری کشور در وضع کنونی چگونه است؟
- ۴- در طراحی شهری مقیاس مداخله به چه شکل مطرح است؟
- ۵- وظیفه طراحی شهری چیست؟
- ۶- قلمرو، روش و محصول طراحی شهری چیست؟
- ۷- چگونه می‌توان دانش طراحی شهری را در جهت اعتلای نظام شهرسازی کشور به کار گرفت؟

## ۲- نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری در تجربه جهانی

منشأ اولیه اندیشه برنامه‌ریزی به اعمال حاکمیت دولت و تسهیل و توجیه دخالت دولت‌ها در اداره امور سیاسی، نظامی و اقتصادی کشورها برمی‌گردد. بنابراین، اولین الگوهای برنامه‌ریزی دارای خصلتی کلان، اقتصادی، آمرانه و بوروکراتیک بوده‌اند.

در بستر چنین شرایطی «برنامه‌ریزی شهری» نیز در اوایل قرن بیستم با این هدف به وجود آمد که تمام فعالیت‌های مربوط به توسعه و عمران شهری را، چه در حال و چه در آینده، تحت انتظام و نظارت بخش دولتی درآورد. این نوع برنامه‌ریزی بر پایه دیدگاه‌های «برنامه‌ریزی جامع» یا «برنامه‌ریزی عقلانی» استوار بود که در عمل به صورت الگوی طرح‌های جامع سنتی در جهان شهرت پیدا کرد. اما پس از چند دهه تجربه و بروز مشکلات و نتایج ناموفق طرح‌های جامع در اروپا و آمریکا، از اواخر دهه ۱۹۶۰ نظریه برنامه‌ریزی جامع مورد انتقادات جدی و تجدیدنظر قرار گرفت، و به جای آن رویکرد سیستمی و نظریه برنامه‌ریزی راهبردی (استراتژیک) در برنامه‌ریزی شهری به کار گرفته شد. این رویکرد جدید اگرچه دستاوردهای گرانقدری را در زمینه بهبود و تکامل برنامه‌ریزی شهری به همراه داشت، که از جمله آنها توجه بیشتر به طراحی شهری بود، ولی در میدان تجربه، مشکلات و تنگناهای جدیدی را به خصوص در زمینه اجرا و مدیریت طرح‌های توسعه و عمران به ظهور رساند که به پیدایش اندیشه‌ها و اصلاحات جدیدتر منجر گردید. در حدود دهه ۱۹۸۰، به دنبال ظهور تحولات تازه سیاسی، اجتماعی و فکری در جامعه غربی، در عرصه برنامه‌ریزی و طراحی شهری نیز تحولات چشمگیری صورت گرفته که الگوها و چشم‌اندازهای کاملاً متفاوتی را در این زمینه مطرح ساخته است. از جمله اینها می‌توان به رویکرد و الگوهای جدید مثل «برنامه‌ریزی گام به گام»، «برنامه‌ریزی فرایندی»، «برنامه‌ریزی دموکراتیک»، «برنامه‌ریزی مشارکتی» و «برنامه‌ریزی حمایتی» اشاره کرد.

تحولات یاد شده را می‌توان در سه دوره دسته‌بندی کرد:

- ۱- الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع
  - ۲- رویکرد برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی
  - ۳- رویکرد برنامه‌ریزی دموکراتیک و مشارکتی
- ### ۲-۱- الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع

از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، به دنبال حادث شدن مسائل ناشی از توسعه صنعتی و گسترش سریع شهرنشینی در غرب، مجموعه‌ای از نظریه‌ها و راه‌حل‌ها برای نظم‌بخشی و ساماندهی توسعه شهری در کشورهای مختلف آمریکا و اروپا مطرح گردید، که در نهایت به پیدایش «دانش برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای» در دهه سوم قرن بیستم منجر شد. به نظر «پیتر هال»، «پیشروان و متفکران اولیه برنامه‌ریزی شهری به دو گروه اصلی تقسیم می‌شوند که کمابیش در شکل‌گیری این دانش جدید مؤثر بوده‌اند:

الف - گروه انگلیسی - آمریکایی (سنت انگلیسی - آمریکایی):

شامل کسانی مثل «ابنزر هوارد»، «نظریه باغ‌شهرها»، «کلارنس پیری» و «کلارنس اشتاین» (نظریه واحد همسایگی)، «پاتریک گدس» (اصول طرح جامع)، «پاتریک ایبر کرامبی» (طرح جامع لندن) و فرانک لوید رایت (نظریه شهر گسترده) و جزایان.

ب - گروه اروپایی (سنت اروپایی):

شامل کسانی چون آرتورو سوریا (شهر خطی)، تونی گارنیه (شهر صنعتی)، لوکوربوزیه (شهر درخشان)، و دیگران (پیتر هال، ۱۹۹۴).

در این الگو تمامی پهنه شهر طبق روش‌ها و مبانی تجربی، کارکردی و کمی مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و براساس آن وضع آینده شهر پیش‌بینی می‌شود. محصول نهایی این طرح‌ها تعیین وضعیت کالبدی شهر و کاربری زمین در حال و آینده در قالب نقشه‌های تفصیلی و ارقام دقیق است که به صورت قانونی و الزام‌آور مبنای اقدامات خصوصی و عمومی در شهر قرار می‌گیرند.

## طراحی شهری می‌تواند نقش اساسی در خلق وجهه و سیمای شهر، و از طریق آن در خلق وجهه بین‌المللی کشور در فراسوی مرزهایش ایفا کند

کشف راه‌های متنوع و موفق برای انتقال نتایج کاربردی اصول طراحی شهری به شهروندان،  
قدرت تشخیص کیفیت‌های نازل محیط را در آنها افزایش خواهد داد و شهروندان به صورت  
نیروی سیاسی در مقابل فرسایش محیط شهری و تخریب آن عکس‌العمل نشان خواهند داد

کسانی مثل فالودی، لیندیلوم، جان فریدمن، چدویک، پیترهال، شین مک کونل و دیگران، این موضوع را در تألیفات خود به صورت مختلف مورد تحلیل قرار داده‌اند. به نظر اینان، برنامه‌ریزی جامع اساساً با امکان شناخت انسان از واقعیت شهر و امکان دخالت در آن بسیار فاصله دارد؛ و بنابراین عدم موفقیت آن در عمل، امری بدیهی و محتوم است. با توجه به نتایج تمام این تحلیل‌ها و انتقادات می‌توان خصایل اصلی برنامه‌ریزی جامع یا برنامه‌ریزی عقلانی یا برنامه‌ریزی کلیشه‌ای (blueprint) را به صورت زیر خلاصه کرد (فالودی، ۱۹۷۳ - شین مک کونل ۱۹۸۱ - هال ۱۹۹۴):

- الف - خصلتی آمرانه (از بالا به پایین) دارد و به گسترش بوروکراسی می‌انجامد.
- ب - برنامه‌ریزان و مردم نقش مؤثری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری ندارند.
- پ - بیشتر جنبه کالبدی و مهندسی دارد و به کیفیات اجتماعی بی‌اعتناست.
- ت - جنبه تفصیلی و قطعی دارد و امکانات تغییر و اصلاح در آن محدود است.
- ث - بیشتر جنبه آرمانی و انتزاعی دارد و با امکانات اجرایی منطبق نیست.

### ۲-۲- رویکرد برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی

اصولاً دهه ۱۹۶۰، نقطه عطف در تحولات برنامه‌ریزی و طراحی شهری غرب محسوب می‌شود. در این دهه تغییرات مهمی در عرصه‌های نظری و عملی برنامه‌ریزی به وجود آمد که در نهایت به ایجاد تغییرات بنیادی در الگوی برنامه‌ریزی جامع و طرح‌های جامع سنتی منجر گردید. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این زمینه می‌توان به محورهای زیر اشاره کرد:

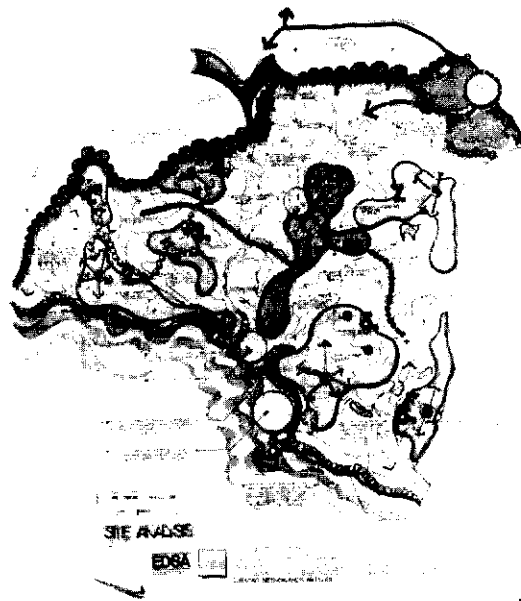
- الف - پیدایش و رواج نظریه سیستم‌ها و دانش سبیرنتیک
- ب - اختراع و رواج کاربرد کامپیوتر در مطالعات برنامه‌ریزی
- پ - توسعه و تکامل دانش مدیریت و نظریه تصمیم
- ت - نفوذ نظریات علوم اجتماعی در برنامه‌ریزی و طراحی شهری

با ظهور نظریه سیستم‌ها و پدید آمدن این اعتقاد که می‌توان با این روش به صورتی سنجیده‌تر و مؤثرتر در شهرها دخالت کرد، گروه مک لولین (Mc Loughlin)، چدویک و ویلسون در انگلستان دست به بازنگری در محتوای طرح‌های جامع و اصلاح آنها زدند که در نهایت به صورت قانون برنامه‌ریزی شهری به تصویب رسید. طرح‌های توسعه و عمران شهری به دو نوع طرح‌های ساختاری و طرح‌های محلی تقسیم شدند. در آمریکا نیز همزمان الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک (راهبردی) مطرح گردید. محصول این دیدگاه سطوح مختلف فضایی و مدیریتی هستند و در مقیاس‌های مختلف تهیه می‌شوند - مانند طرح‌های ساختاری و یا طرح‌های ناحیه شهری و طرح‌های موضوعی.

### ۲-۳- الگوی برنامه‌ریزی دموکراتیک و مشارکتی

از حدود دهه ۱۹۸۰ تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشورهای اروپا و آمریکا به وجود آمد که به نوبه خود تغییرات جدیدی را در عرصه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری پدید آورد. از مهم‌ترین این تحولات می‌توان به روند جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ، فروپاشی نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی، تقویت اتحادیه اروپا، گسترش مفاهیم جامعه مدنی، توسعه پایدار، رشد دموکراسی و جنبش سوسیال دموکراسی جدید اشاره کرد. در بستر این تحولات، با کاهش مشروعیت و اقتدار دولت، افزایش نقش نهادهای مدنی و مشارکت، رشد تکثیرگرایی و نهادهای حفاظت محیط، گرایش به برنامه‌ریزی غیرمتمرکز و افزایش اختیارات نهادهای محلی بیش از پیش تقویت گردید و در نتیجه الگوها و روش‌های برنامه‌ریزی نیز بیشتر از قبل به سمت برنامه‌ریزی مشارکتی و دموکراتیک سوق پیدا کردند.

با توجه به تجارب الگوی برنامه‌ریزی ساختاری - راهبردی و ارزیابی آن، از حدود دهه ۱۹۸۰ موضوع مدیریت و اجرا در زمینه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای به محور اصلی در حیطه نظری و عملی بدل گردید. در واقع در دو دهه اخیر، تجارب برنامه‌ریزی و طراحی شهری در غرب، برای تحقق اهداف خود به اصلاح روش‌های اجرایی و تأمین ابزارهای لازم روی آورده است. در انگلستان، اگرچه اصول طرح‌های ساختاری - محلی همچنان اعتبار قانونی خود را حفظ کرده‌اند ولی اصلاحات زیادی نیز در شیوه‌های تصمیم‌گیری، اجرا و مدیریت در طرح‌های توسعه و عمران شهری به وجود آمده است. در آمریکا نیز گام‌های بیشتری در جهت کاهش نابرابری، تأمین عدالت، گسترش رفاه عمومی، حفاظت از آثار فرهنگی، و اعتسالی کیفیت محیط در طرح‌های توسعه و عمران شهری و منطقه‌ای برداشته شده است. در این میان موضوع طراحی



شهری بسیار بیشتر از قبل مورد تأکید و توسعه قرار گرفته است.

به طور خلاصه می‌توان گفت که برنامه‌ریزی دموکراتیک، در واقع بسط الگوی برنامه‌ریزی راهبردی است که با اصلاح و تکامل میانی خود و با توجه به شرایط اجتماعی روز، بیشتر به برنامه‌ریزی عملی، اصلاح نظام مدیریت و اجرا و بهره‌گیری از امکانات مشارکتی روی آورده است.

### ۳- جایگاه طراحی شهری در نظام تهیه طرح‌های توسعه شهری

به نظر می‌رسد پیش از بررسی جایگاه طراحی شهری در انواع طرح‌های توسعه شهری، بهتر است به ضرورت پدید آمدن این دانش به عنوان نوعی تخصص مستقل با زمینه‌های فعالیتی خاص آن پرداخته شود.

شهر به عنوان پدیده‌ای پیچیده و سیستمی پویا که مرتباً در حال تحول و رشد است، به دانشی بیش از معماری یا برنامه‌ریزی شهری - و یا حتی ترکیبی از این دو - نیاز داشت تا به مشکلات کیفی آن پاسخ داده شود؛ آن هم پاسخی فراتر از «معماری کلان» و یا نوعی «برنامه‌ریزی» صرفاً عقلانی و منطقی.

دغدغه ارتقای کیفیت زندگی انسان، خصوصاً در محیط کالبدی و فضاهای عمومی، موجب تولد دانش طراحی شهری شده است.

اما علل دیگری که به رشد و توسعه این دانش در سال‌های اخیر کمک کرده‌اند، ماهیت اقتصادی / سیاسی / فرهنگی دارند. تحت تأثیر این علل، طراحی شهری به عنوان ابزاری برای رونق و توسعه شهرها در رقابت میان شهرهای مختلف (که به طور روزافزونی برای جلب سرمایه و توسعه اقتصادی در گرفته) اهمیت زیادی یافته است. طراحی شهری می‌تواند نقش اساسی در خلق وجهه و سیمای شهر، و از طریق آن در خلق وجهه بین‌المللی کشور در فراسوی مرزهایش ایفا کند. با وجود این عوامل، هنوز در کشور ما مدیران و تصمیم‌گیران کاملاً بر ضرورت دانش طراحی شهری و اهمیت ارتقای کیفی شهرهای مان، چه برای خودشهروندان و چه برای رقابت در عرصه جهانی، بی‌نبرده‌اند و از مزایای اقتصادی و سیاسی آن کاملاً آگاه نیستند (گلکار ۱۳۷۸، صص ۵ تا ۸).

برنامه‌ریزی شهری در دهه سی و چهل میلادی بیش از هر چیز به برنامه‌ریزی کالبدی گرایش پیدا کرد و محورهای اصلی آن عبارت بود از پاسخگویی به نیازهای توسعه کالبدی.

البته در این دوران مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، اقدامات و گرایش‌ها در حوزه شهرسازی جدید اروپا و آمریکا به وجود آمد که از زوایای گوناگون به ابعاد اجتماعی، فرهنگی، زیبایی‌شناختی و روان‌شناختی توسعه و عمران شهرها معطوف بودند. برخی از اینها تأثیراتی جدی بر مقوله‌های مرتبط با طراحی شهری و ابعاد کیفی طرح‌های جامع شهری به جای گذاشته‌اند.

در دهه ۶۰ جنبش انتقادی وسیعی برضد الگوی طرح‌های جامع و تفصیلی به راه افتاد، که بخش عمده‌ای از آنها معطوف به افول ارزش‌های کیفی و فرهنگی در شهرسازی جدید بود. به منظور اصلاح روندهای جاری، تلاش‌های جدیدی در عرصه نظری و عملی شهرسازی انجام شد که در نهایت به تقویت و گسترش دانش طراحی شهری، و تحقق اهداف و ارزش‌های کیفی طرح‌های شهری منجر گردید. از جمله عوامل مهم در این زمینه می‌توان به ظهور انواع نظریه‌ها، جنبش‌ها و الگوهای جدید اشاره کرد، که به طور مستقیم و غیرمستقیم در حیطه نظری و عملی طراحی شهری مؤثر بوده‌اند. از جمله اینهاست نظریات لینچ (در کتاب سیمای شهر)، گوردون کالن (Gordon Cullen)، ونتوری (Venturi)،

الدو روسی (Aldo Rossi)، گودمن (Goodman) و بیکن (Bacon)، که با طرح نظریات جدید در کتاب‌های شان، تحولاتی اساسی در گرایش‌های طراحی شهری پدید آوردند. در همین دوران بود که توجه به اهمیت فضاهای باز و سبز، اولویت پیدا، و فضاهایی برای اوقات فراغت مطرح شد.

در سه دهه اخیر طراحی شهری جایگاه استوارتر و تعیین‌کننده‌تری در نظام شهرسازی و مدیریت شهری یافته است و امکانات و وظایف آن وسیع‌تر و دقیق‌تر شده است. جنبش‌ها و جریان‌های فکری جدید در جامعه غربی، دیدگاه‌های مربوط به شهرنشینی و ساماندهی محیط زندگی را تحت تأثیر قرار داده است. نشانه‌شناسی، پدیدارشناسی، پست مدرنیسم، ساختارشنکی، توسعه پایدار و نظایر اینها همگی نظریاتی هستند که بر جهت‌گیری گرایش‌های مختلف در طراحی شهری مؤثر بوده‌اند.

تعاریف اولیه طراحی شهری بیشتر بر فرم و منظر شهری، زیبایی، ارتباطات توده و فضا معطوف بوده‌اند اما در دوره اخیر

عناصر دیگری مانند مشارکت، فرایندی بودن، حفاظت منابع و محیط زیست و مسائل انسانی بیشتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. از سوی دیگر نیز مناسبات میان دانش برنامه‌ریزی شهری و دانش طراحی شهری روشن‌تر شده است. پاتنر (Punter) در سال ۱۹۹۷ به تحولات دانش طراحی شهری از چند جهت اساسی اشاره کرده است:

- تغییر از نگرش زیبایی شناختی به سمت کیفیت محیط
- تغییر از اهداف اقتصادی به سمت اهداف اجتماعی
- تغییر از حرفه عملکردی به سمت دانش میان رشته‌ای
- تغییر از دیدگاه فردی و نخبه‌گرا به سمت نگرش جمعی و انسانی
- تغییر از تأکید بر محیط انسان ساخت به سمت محیط طبیعی - مصنوعی

جدول شماره ۱- تغییرات مبانی طراحی شهری - محیطی و مقایسه تأکیدات سنتی و جدید و پیشرو را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱- تغییرات مبانی طراحی شهری - محیطی

تأکیدات سنتی	تأکیدات جدید و پیشرو
سیمای ظاهری	کیفیت محیط
نگریستن به نیازهای زیبایی شناختی	زیستن در نیازهای انسانی
سلیقه نخبگان	ارزش‌های استفاده کنندگان
شهود	حل مسئله
خردگرایی	تجربه گرایی
حرفه گرایی	میان حرفه‌ای
محصول	فرایند
طراحی شخصی	طراحی جمعی
محیط انسان ساخت	محیط انسان ساخت و طبیعی
منافع کارفرما	منافع عمومی
شکوه شهر	پایداری محیط
پروژه	سلسله مراتب مقیاس‌ها

مأخذ: بعد طراحی برنامه‌ریزی شهری (پاتنر، ۱۹۹۷، ص ۸۹)

### ۳-۱- پیوند برنامه‌ریزی و طراحی شهری

یکی از گرایش‌های جانب در دهه‌های اخیر این است که برخلاف گذشته اقدامات برنامه‌ریزی شهری و طراحی شهری در یکدیگر ادغام می‌گردند و بدین ترتیب فرایندی یگانه و هماهنگ در نظر گرفته می‌شود.

به نظر کالینگورث (Cullin growth)، این رویکرد نوعی تحول تدریجی است که طی سه مرحله رخ داده است: در طول دهه ۱۹۶۰، موضوعات طراحی شهری به تدریج در متن پاسخگویی به مسائل و پروژه‌های مشخصی مطرح گردیدند؛ در طول دهه ۱۹۷۰، اهداف طراحی شهری معمولاً در ضمن سیاست‌های عمومی برنامه‌ریزی گنجانده می‌شدند؛ و در طول دهه ۱۹۸۰ ملاحظات طراحی شهری به عنوان بخشی از نظام نظارتی برنامه‌ریزی پذیرفته شدند. (کالینگورث، ص ۱۰۹).

اینک برنامه‌ریزان و طراحان شهری به این حقیقت دست یافته‌اند که هدف نهایی هر نوع برنامه‌ریزی و طراحی شهری کمک به اعتدالی کیفیت زندگی در بستر توسعه پایدار و رفاه و عدالت اجتماعی است و بنابراین راهی جز همکاری و هماهنگی میان آنان وجود ندارد. از این نظر برنامه‌ریزی شهری به عنوان دانشی میان رشته‌ای، روز به روز با اهداف و روش‌های طراحی شهری هماهنگ‌تر می‌شود و متقابلاً طراحی شهری نیز به عنوان دانشی میان رشته‌ای به طور فزاینده‌ای به سمت همگامی با برنامه‌ریزی پیش می‌رود.

در عمل در بسیاری از طرح‌های توسعه و عمران شهری جدید، موضوعات طراحی شهری به عنوان یکی از عوامل پایداری در مطالعات و پیشنهادها مطرح، با توجه به مقیاس و نوع آن، مطرح می‌گردد و همانند سایر پیشنهادها طرح توسعه شهر به مرحله اجرا گذاشته می‌شود.

به عبارت دیگر، طراحی شهری با تعیین اهداف و رویکردها در تمام مقیاس‌ها و در تمامی مراحل تهیه طرح‌ها حضور دارد و نقش خود را در کنار سایر رشته‌ها به قوت ایفا می‌کند.

اما در کشور ما هنوز بر سر موقعیت طراحی شهری و اینکه آیا این دانش بیش از بقیه دانش‌ها و یا پس از آنها وارد تهیه پروژه می‌شود اختلاف نظرهایی وجود دارد. هنوز مدیران متخصص ما به تمامی بر ماهیت واقعی دانش طراحی شهری تسلط ندارند و به جای تسری مسائل مربوط به طراحی شهری در تمام بخش‌ها، به دنبال تعیین مکانی خاص و متمایز برای آن در مراحل پروژه هستند و در بسیاری موارد جایگاه طراحی شهری را تنها در پروژه‌های طراحی شهری (برای مثال، طراحی میدان، خیابان و جز اینها) می‌دانند؛ در حالی که طراحی شهری در تمامی مقیاس‌ها حضور دارد و از کلان‌ترین برنامه‌ها تا فضاهاى جزء را در برمی‌گیرد.



### ۳-۲- جایگاه و نقش طراحی شهری در طرح‌های توسعه شهری

محور اصلی دانش طراحی شهری کیفیت محیط شهری است. این کیفیت در مورد عناصر مختلف شهری تجلی‌های گوناگون می‌یابد. این خوانایی از الگوی شهر گرفته تا حس مکان برای فضاها، شهری، و از ایمنی و راحتی شبکه حمل و نقل خصوصاً پیاده گرفته تا دسترسی آسان پیاده به مراکز شهری و تداوم و پیوستگی فضاها، شهری را شامل می‌شود (انصاری نیا، ۱۳۷۷، صص ۱۱ و ۷).

تجلی تحقق این کیفیات، طیف وسیعی از مسایل گوناگون را - از سیما و منظر سه بعدی شهر تا مسائل مدیریتی - در بر می‌گیرد، و بالطبع از طراح گرفته تا مدیر شهری هر یک به نوعی با آن درگیر می‌شوند. «تحقق کیفیت مصنوع بی تردید با سطح انتظارات و توقعات شهروندان رابطه مستقیم دارد. کشف راه‌های متنوع و موفق برای انتقال نتایج کاربردی اصول طراحی شهری به شهروندان، قدرت تشخیص کیفیت‌های نازل محیط را در آنها افزایش خواهد داد و شهروندان به صورت نیروی سیاسی در مقابل فرسایش محیط شهری و تخریب آن عکس العمل نشان خواهند داد (همان، ص ۷)».

در ادامه همین موضوع باید اشاره کرد که ارتقای آگاهی عمومی و افزایش دانش محیطی آنان از وظایف طراحی شهری است.

اما باید توجه داشت که دانش طراحی شهری، دانشی در کنار سایر علوم شهری است، و می‌بایست توانایی برقراری ارتباط و همکاری با سایر دانش‌های مداخله‌گر شهری را داشته باشد. هر چند امروزه کمتر دانشی رامی‌توان یافت که به نوعی با موضوعات مربوط به شهر درگیر نباشد، اما زمینه‌های خاصی وجود دارند که مستقیماً با شهر ارتباط می‌یابند. این تخصص‌ها دامنه وسیعی از برنامه‌ریزی‌های کاربردی و حمل و نقل تا اقتصاد شهری، جامعه‌شناسی شهری، حقوق شهری، مدیریت شهری، محیط زیست و روان‌شناسی را در بر می‌گیرند. تمام دانش‌های مداخله‌گر شهری در شبکه‌ای پیچیده و متعامل به هم مرتبط هستند ولی موفقیت آنها بستگی به حمایت و مشروعیت قانونی جایگاه هر یک و نیز حمایت و آگاهی عموم دارد.

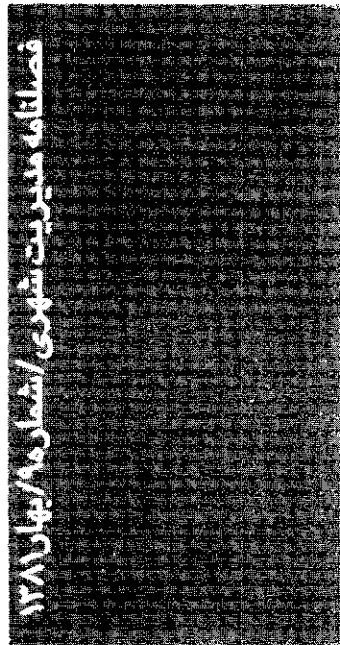
طراحی شهری نیز در تمام مقیاس‌ها پایه‌ی سایر دانش‌ها متولی کیفیت و پایداری محیط شهری است. به این ترتیب طراحی شهری در خدمت ارتقای کیفی محیط و توسعه پایدار آن است، که سه عنصر فرم، عملکرد و معنای شهر را در بر می‌گیرد. طراحی شهری به بررسی ادراک شهروندان از فضا و رفتارهای آنها می‌پردازد و در خدمت بهینه‌سازی آنهاست. پرداختن به خاطرات و تجربیات مردم و افزایش تعاملات اجتماعی، در تخصص طراحی شهری (و نه هیچ تخصص دیگری) است. طراحی شهری به هر حال از دانش‌های دیگر کمک می‌گیرد و چیزی فراتر از آرایش و پرداختن به ظاهر - و به عبارتی، صرفاً زیباسازی ظاهری - است. مهم‌ترین دغدغه طراحی شهری مباحث ادراک و رفتار انسان‌ها در محیط شهری و حفظ و ارتقای کیفیت شهر برای تمام شهروندان و برای تمام نسل‌هاست.

### ۴- اهداف طراحی شهری

قبل از تهیه هر گونه طرح توسعه، ابتدا به تعیین اهدافی نیاز است که طراحی شهری را از همان ابتدای کار در فرایند تهیه طرح، تصمیم‌گیری و هدایت پروژه‌ها وارد کند.

به همین دلیل نیاز به تعیین چارچوب‌های دقیقی برای اجرا و آشنایی کامل با شرایط محل و شناسایی موارد عملی و تحقق پذیر از دیدگاه اجرایی، مدیریتی و اقتصادی اجتماعی وجود دارد (By Design-Page9). اهداف تعیین شده در طرح‌های توسعه شهرهای مختلف دارای دو بخش عمده است:

- ۱- اهداف عام - اهدافی که کم و بیش برای هر شهر (فارغ از زمان و مکان) معتبرند.
- ۲- اهداف خاص - اهدافی که بر گرفته از شخصیت محیط و تصویر ذهنی آن مکان‌های خاص هستند.



#### ۴-۱- اهداف عام طراحی شهری

این اهداف توقعاتی هستند که هر شهروند از شهر خود - فارغ از موقعیت محلی و نقش آن - دارد و لازمه وجود زندگی کیفی تمام افراد است. فضاهای شهری موفق، از خیابان و میدان گرفته تا شهر و روستا، دارای ویژگی‌های مشترکی هستند. بسیاری از آنها در عمل و جوه مشترک زیادی دارند.

اهداف عام در طراحی شهری برای شهرها عبارتند از:

۱- کارا کتر و هویت: ویژگی مکانی با هویت خاص خود  
ارتقای کارا کتر در منظر شهری و منظر طبیعی با پاسخگویی و تقویت الگوهای شاخص محلی توسعه، منظر طبیعی و فرهنگ به دست می‌آید.

۲- تداوم و محصوریت: مکانی که فضاهای عمومی و خصوصی در آن کاملاً قابل تشخیص باشند.

ارتقای تداوم نمای بناها در خیابان‌ها و محصوریت فضاها، به گونه‌ای که حوزه‌های خصوصی و عمومی را به وضوح تعریف کند.

۳- کیفیت قلمرو عمومی: مکانی دارای حوزه‌های بیرونی جذاب و موفق

ارتقای فضاهای عمومی و مسیرهایی که جذاب، ایمن و بدون ازدحام هستند و در تمام زمینه‌ها و برای تمام افراد جامعه، حتی افراد ناتوان و مسن، به طور مؤثر کار می‌کنند.

۴- روان بودن و سهولت حرکت: مکانی که دسترسی به آن و حرکت از میان آن به سادگی ممکن باشد.

ارتقای قابلیت دسترسی و نفوذپذیری محلی، به گونه‌ای که به راحتی می‌توان از میان آنها حرکت کرد. فضاهایی که مردم را بر ترافیک مقدم بدارد و کاربری زمین و حمل و نقل را به صورت یکپارچه در هم آمیزد.

۵- خوانایی: مکانی که تصویری واضح و مشخص دارد و ادراک آن، به سهولت ممکن است.

حضور طراحی شهری به صورت مجزا یا در تمام بخش‌های طرح، در طرح‌های توسعه شهرهای مورد بررسی

نام شهر	نوع طرح	بخش مجزای طراحی شهری	محل طرح مباحث کیفی	تاریخ طرح
دهلی	طرح جامع	ندارد	تمام بخش‌ها	۲۰۰۱
گلاسگو	طرح ساختاری (راهبردی)	ندارد	تمام بخش‌ها	۱۹۹۷
	Structure plan (Strategic)			
سیناتل	طرح جامع	ندارد	تمام بخش‌ها	۲۰۰۱
کلمسون	طرح جامع	ندارد	تمام بخش‌ها	۲۰۰۰
بريستون	طرح محلی	در بخش محیط مصنوع و توصیه‌ها	تمام بخش‌ها	۱۹۹۰
استوک آن ترنت	استراتژی طراحی	ندارد	تمام بخش‌ها	۲۰۰۰
چکسون ویل	طرح جامع	دارد	—	۱۹۹۸
سانفرانسیسکو	طرح جامع	دارد	—	۱۹۷۱

(مأخذ: مؤلف)

ارتقای خوانایی از طریق توسعه‌ای که در آن مسیرها، تقاطع‌ها و نشانه‌های شهری قابل شناسایی باشد و به مردم برای راه‌یابی کمک کند.

۶- انعطاف پذیری: مکانی که می‌تواند به راحتی تغییرات احتمالی را بپذیرد باشد.

ارتقای انعطاف‌پذیری از طریق توسعه‌ای که بتواند تغییرات شرایط اجتماعی، فناوری و اقتصادی را پاسخگو باشد.

۷- تنوع: مکانی با تنوع و حق انتخاب

ارتقای تنوع و حق انتخاب از طریق ترکیبی از توسعه‌های هماهنگ و کاربری‌هایی که با یکدیگر برای خلق مکان‌های کارآمد و پاسخگوی نیازهای محلی کار می‌کنند. (مأخذ: By Design، صص ۱۴ و ۱۵)

#### ۴-۲- اهداف خاص طراحی شهری

اهداف خاص تحقق هویت هر شهر خاص را ممکن می‌سازند و بدون آنها شناسایی و تشخیص شهر، چه برای ساکنان و چه برای گردشگران و بازدیدکنندگان، غیر عملی است. این اهداف موجب می‌شوند که هر شهر از شهر دیگر متمایز گردد. خصوصیات اقلیمی، فرهنگی، اقتصادی شهر نیز مستقیماً در تعیین این اهداف خاص دخیل هستند.

حفظ و تقویت حال و هوای شهر و محله‌های آن، و برآورده شدن توقعاتی که شهروند یا گردشگر و بازدیدکننده از آن شهر دارد با تحقق اهداف خاص ممکن است. این اهداف جهت حرکت خاص هر شهر را که از سایر شهرها متفاوت است نشان می‌دهند.

اهداف خاص برای تحقق تعدادی از اهداف عام مانند کارا کتر و هویت ضروری هستند. برای مثال، دو شهر بندری در ساحل خلیج فارس هر چند دارای جوه مشترک زیادی باشند، اما خصوصیات متفاوتی دارند که آنها را از هم متمایز می‌کند.

تحقق این اهداف خاص موجب حفظ خاطرات جمعی و نقاط ارزشمند در شهرها می‌شود و ویژگی‌های آنها را تقویت می‌کند. در حقیقت حال و هوا و حس مکان در شهر و فضاهای آن تا حد زیادی به این اهداف خاص باز می‌گردد. در درازمدت این موضوع نقش مهمی در افزایش جذابیت شهر و به تبع آن جذب سرمایه‌های فراوان به آن دارد.

یکی از اولین اقداماتی که طراح شهری در ابتدای تهیه هر طرح توسعه انجام می‌دهد، تعیین چشم‌انداز و دورنمای شهر (Vision) است. تعیین این امر نقش اساسی در تعیین چارچوب طرح‌ها دارد و مسیر حرکت و گام بعدی توسعه شهر را معین



جدول شماره ۲- طرح مسئله چشم انداز شهر در طرح‌های توسعه شهرهای مورد بررسی

نام شهر	Vision*	نوع طرح
دهلی	دارد	طرح جامع
گلاسگو	دارد	طرح ساختاری (راهبردی)
سیاتل	دارد	طرح جامع
کلمسون	دارد	طرح جامع
بريستول	دارد	طرح محلی
سارایوو	دارد	طرح جامع
جکسون ویل	دارد	طرح جامع
استوک آن ترنت	ندارد	استراتژی طراحی
سانفرانسیسکو	ندارد	طرح جامع

می‌کند.  
برای مشخص کردن چشم‌انداز آینده شهر از سه عنصر عمده استفاده می‌شود:

- ۱- تصویر ذهنی شهروندان
- ۲- انتظارات مدیران شهری، طرح‌های بالادست و برنامه‌ارگان‌ها
- ۳- گرایش‌ها و نیازهای اقتصادی، اجتماعی و کالبدی جامعه و شهر

تهیه تصویر ذهنی شهروندان از موضوعات کار - با بررسی طرح‌های اخیر شهرهای مختلف، مشاهده می‌شود که ابتدا دیدگاه و هدف کلی برای شهر تعیین می‌گردد و سپس مراحل بعدی تهیه طرح انجام می‌شود. از این دست است: گلاسگو - شهر فرهنگ، بریستول - شهر خوانا، سیاتل - شهری پایدار برای خانواده، و جز اینها (مأخذ: اینترنت، طرح‌های توسعه شهرهای مذکور).

اهمیت دیدگاه‌های مردم در تهیه این چشم‌انداز آن قدر اهمیت یافته است که از پرسش‌نامه و نظرخواهی‌های

عمومی برای جمع‌آوری آرای آنها استفاده می‌شود. در صورت تناقض چشم‌انداز شهر با تصویر و ساختار ذهنی مردم از شهر، تأثیرات درازمدت و کوتاه‌مدت آن گریبان مسئولان و تهیه‌کنندگان طرح را خواهد گرفت. مهم‌ترین نمود آن تحقق نپذیرفتن طرح است؛ یعنی طرح مطابق نیازها و تصورات واقعی مردم نیست. این مسئله در بسیاری از طرح‌های توسعه در شهرهای کشور ما معمول است.

از سوی دیگر، تعیین تصویر ذهنی به ما کمک می‌کند تا اهداف کلان و خرد را در تمام سطوح برای شهر تعیین کنیم و نقاط ضعف و قوت شهر را در جهت رسیدن به این اهداف مشخص سازیم. این کار از هدر رفتن سرمایه‌ها، منابع، زمان و نیروهای تخصصی جلوگیری می‌کند.

#### ۳-۴- برداشت تصویر ذهنی در تجربیات جهانی

برای برداشت تصویر ذهنی، می‌توان آن را از سه مقوله فرم و عملکرد و معنا مورد بررسی قرار داد. این سه مقوله هر یک جنبه‌های متفاوت شهر هستند که می‌بایست با یکدیگر تطابق داشته باشند.

تصویر ذهنی دارای دو صورت است: ۱) تصویر کلی از شهر؛ و ۲) تصویر اجزا (احجام و فضاهای شهری). سلسله مراتب قضایی یا مقیاس‌های مختلف آن می‌بایست به روش خاص خود برداشت گردد و تأثیر عامل زمانی نیز در نظر گرفته شود. برای این کار در بسیاری موارد پرسشنامه‌هایی تهیه می‌شود تا بتوان تصویر ذهنی مردم شهر را در سطوح مختلف دریافت. برداشت نقشه ذهنی شهروندان نیز از سایر وظایف تخصصی دانش طراحی شهری است که برای تعیین شخصیت محیطی شهر از دید شهروندان ضروری است.

نقشه ذهنی فرایندی است که از طریق آن انسان‌ها محیط فیزیکی اطراف خود را کدبندی، ضبط و قابل استفاده مجدد می‌کنند. نقش ذهنی درباره موقعیت فرد و خصوصیات فیزیکی محیط است و در حقیقت الگویی است از شهر که بر اساس رفتارهای شهروندان در محیط به دست می‌آید. هر چند نقشه‌های ذهنی افراد متفاوت است، اما با جمع‌بندی آنها می‌توان به یک نقشه ذهنی جمعی برای شهر دست یافت.

به طور کلی برداشت دیدگاه و نظر شهروندان چه به صورت توقع و انتظارات یا تصویری کلی که از شهر دارند (تصویر ذهنی) و چه به صورت چگونگی ساختار فضایی شهر در ذهن آنان (نقشه ذهنی)، از مهم‌ترین وظایف تخصصی طراحی شهری در تهیه طرح‌های توسعه شهری است. این کار گرایش طراحی شهری را به مشارکت شهروندان در عرصه‌های همگانی نشان می‌دهد و در تداوم دیدگاه مشارکتی است که در بخش قبل به آن پرداخته شد.

به گفته اپلیارد (Appleyard)، کیفیت یک شهر نمی‌تواند به تنهایی از طریق تحمیل نظام ساختاری، فکری و ارزشی یک یا چند متخصص و طراح تعیین گردد.

نمود آشنکار این موضوع، در انواع طرح‌ها و پروژه‌های شهری دهه اخیر است که در تمام مراحل تهیه طرح پروژه با اعلام در روزنامه‌های محلی و عمومی، نمایش پروژه در مکان‌های عمومی مانند کتابخانه‌ها و موزه‌ها و حتی برگزاری جلسات بحث و مشاوره، تشکیل کارگاه‌های جمعی به مردم شناسایی و معرفی می‌گردد و از مشارکت و دیدگاه‌های آنان بهره برده می‌شود. این کارگاه‌ها و گروه‌های مشارکتی از ۵ تا ۸۰۰ نفر را شامل می‌شوند و از ۱ تا ۵ روز به طول می‌انجامند و به جمع‌آوری دیدگاه‌های مردم می‌پردازند (By Design، صص ۷۷-۷۲).

مدیریت و اجرای طرح‌ها نیز با کمک مردم انجام می‌گیرد و برخلاف تصور مدیران شهری این مشارکت صرفاً از دیدگاه اقتصادی و مالی نیست، بلکه زمینه‌های حفظ و نگهداری، مدیریت، اجرا و سایر زمینه‌ها را نیز شامل می‌شود.

به این ترتیب می‌توان دریافت که دیدگاه طراحی شهری تنها منحصر به کنترل و حل مسائل سیما و منظر نیست، بلکه زمینه‌های بسیار وسیعی را در برمی‌گیرد که جای همه آنها در طرح‌های توسعه شهری کشور ما خالی است.

نکته جالب توجه این است که حضور طراحی شهری تنها به مقیاس شهر یا مقیاس‌های خرد محدود نمی‌شود. این

تصورى است که گریبان گیر بسیاری از مدیران و طراحان ماست. آنها بازرترین نقش طراحی شهری را در طراحی یک میدان، خیابان و یا تک فضای شهری می دانند. اما با نگاهی به اسناد توسعه کلان کشورهای دیگر می توان دریافت که حتی در کلان ترین سطوح مدیریتی و تصمیم گیری نیز طراحی شهری نقشی عمده و تعیین کننده دارد و تصمیمات طراحی شهری، از آنجا که به مقولات کیفی سازی می گردد، در بالاترین سطوح تصمیم گیری نیز نقش دارد.

این گونه مسائل در قانون گذاری، از قوانین شهروندی تا تصره های طرح های توسعه را در بر می گیرند و استانداردهای لازم الاجرای کشور ناگزیر از رعایت اهداف کیفی در تمام زمینه ها هستند.

در اینجا است که تعیین اهداف کلان و چشم انداز کشور، ناحیه، شهر یا روستا در طراحی شهری برای تدقیق رشد و توسعه شهر اهمیت زیادی می یابد؛ و تمام اینها و رای وظایف آشنای طراح شهری در برخورد سه بعدی یا منظر و سیما و مسائل زیبایی شناختی شهری است که مورد تصور عموم است.

#### ۵- جایگاه طراحی شهری در طرح های توسعه شهری

طرح های شهری ناده شصت میلادی با دیدگاهی عملگر دگر ایانه و راسیونالیستی تهیه می گردیدند و بحث های کیفی در آنها به هیچ وجه مطرح نبود. بخش های کمی و عملگر دی همچون کاربری زمین و مانند آن عنصر غالب این طرح ها بود. نتایج این طرح ها نشان داد که هر چند توجه به عملگر د امری لازم است ولی به دلیل عدم توجه به تأثیرات نامطلوب عاطفی این تصمیمات بر شهروندان ناکافی است.

تفکر حاکم بر کارشناسان و برنامه ریزان تهیه کننده طرح های اروپایی و امریکایی دیدگاهی عملگر دگر ایانه و مدرنیستی و پوزیتیویستی بود و مسائل کیفی هنوز به دغدغه خاطر متخصصان تبدیل نشده بود. به تدریج نارضایتی عمومی از محصولات این طرح ها و انتقاد شدید افرادی مانند جیکابز در امریکا و میجرلیچ در آلمان شدت گرفت. آنها عنوان می کردند که این طرح ها می بایست مباحث کیفی را دنبال کنند و متولی حل معضلات سه بعدی و فضایی شهرها باشند. این دیدگاه ها منجر به مطرح شدن مسئله طراحی شهری در طرح ها شد.

در دهه های هفتاد و هشاد گروهی از طرح ها شکل گرفتند که به مباحث طراحی شهری به عنوان بخش های جبرانی و مکمل طرح ها نگریسته و در طرح های توسعه شهری خود به مطالعات کیفی محیط پرداخته اند.

در این دوره بحث های طراحی شهری یا به صورت مستقل در کنار سایر بخش ها تحت عنوان فصل طراحی شهری Urban Design Element مطرح می شد (مانند طرح جامع سانفرانسیسکو) و یا در مواردی که طرح های جامع یا ساختاری آنها به تازگی تصویب شده بود، طرح هایی جداگانه به عنوان مکمل طرح های موجود تهیه می شدند. هم زمان با این طرح ها، طرح هایی نیز به منظور ارتقای کیفی فضاهای شهری ساماندهی و بافت ها به صورت موضعی و مقطعی تعریف و تهیه شدند که به پروژه های طراحی شهری و یا طراحی فضاهای شهری معروف شدند. هر چند این طرح ها برای جبران کیفیت های مفقود در این فضاها بود، اما در عین حال آنها نمی توانستند با دیدگاهی جامع و کل نگر دیدگاه دانش طراحی شهری را در طرح های توسعه شهری و در تمام سطوح و مقیاس ها وارد کنند. آنها تنها به صورت جبرانی و تنها برای موضعی خاص و در مقیاس خرد و به صورت کوتاه مدت تعریف می شوند و به همین دلیل نیز بعضاً به دلیل عدم هماهنگی با سایر بخش ها با شکست یا موفقیت نسبی مواجه می گردند.

از اواخر دهه هشتاد گروه دیگری از طرح ها به چشم می خورند که عنصر طراحی شهری در آنها به عنوان فصلی مستقل دیده نمی شود بلکه برعکس، مباحث کیفی و دیدگاه طراحی شهری به عنوان نوعی تفکر شکل می گیرد و در تمامی جنبه های طرح دیده می شود. این تفکر که باعث تغییر ذهنیت کارشناسان فنی و برنامه ریزان اروپایی و امریکایی شده است جایگاه خود را در تمامی تخصص ها باز می یابد و هر رشته ای که به مقوله شهر می پردازد ملاحظات کیفی را در مطالعات خود مورد توجه قرار می دهد. امروزه نه فقط طراحان و برنامه ریزان، بلکه حقوق دانان، مهندسان، متخصصان اقتصادی و اجتماعی و مدیران شهری اروپا و امریکا به نقش تصمیمات خود بر کیفیت محیط شهری پی برده اند، و دیدگاه و اهداف طراحی شهری در تمامی جنبه های طرح های توسعه شهری در تمام مقیاس ها جاری است. هر بخش بسته به تخصص و وظیفه خود مسائل کیفی را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد و ضوابط، مقررات و راهکارهایی را در آن زمینه برای ارتقای کیفیت محیط، ارائه می کند.

امروزه طراحی شهری به عنوان نوعی نگرش و تفکر، جایگاه خود را در تمام مباحث مربوط به دانش های شهری یافته است و انواع طرح های تهیه شده را، از خردترین مقیاس ها (طراحی یک جزء فضا یا یک نمای شهری) تا مقیاس کلان مانند طرح های منطقه ای، در بر می گیرد.

برداشت تصویر ذهنی در طرح های توسعه شهری های مورد بررسی

سال تهیه	نام شهر	نوع طرح	برداشت تصویر ذهنی
۱۹۹۴	گلاسکو	طرح جامع	دارد
۲۰۰۱	سیاتل	طرح جامع	دارد
۲۰۰۰	کلمسون	طرح جامع	دارد
۱۹۹۸	استونک ان ترنت	استراتژی طراحی	ندارد
۱۹۷۱	سانفرانسیسکو	طرح جامع	ندارد
۱۹۷۴	ویسبادن	Analyse and planungshinweise zur stadigestal tung	دارد
۱۹۷۴	بادن بادن	Analyse and planungshinweise zur stadigestal tung	دارد
۱۹۷۱	برمن	طرح توسعه	دارد
۱۹۷۴	مونینگ	طرح توسعه	دارد

منابع:

- ۱- انصاری نیا، سیوش؛ مسئولیت های طراحی شهری و ماسوریتهای مسئولین، مجموعه مقالات طراحی شهری، سازمان زیباسازی شهر تهران.
- ۲- گلکار، کوروش؛ کندوکاوی در تعریف طراحی شهری.
- ۳- پاکزاد، جهانشاد؛ طراحی شهری در نظام توسعه، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳.

4- By Design ; Department of the Environment Transport and the Regions (DETR) and commission for architecture and the Built Environment (CABE), 2000

5- DOE; Planning Policy Guidance : PPGI: General Policy and Principles, Feb. 1997 .

6- Cullin Worth; Planning In the USA , Routledge, London, 1997.

7- Punter J. & Carmona M.; The Design Dimension of Planning: Theory Content best practical for design Policies , E & Fn Spon, London, 1997.

برداشت:

بخشی از این نوشته با استفاده از یافته های طرح تحقیقاتی به نام «طرح شهری و جایگاه آن در نظام سلسله مراتبی طرح های توسعه شهری» تهیه شده است که با مدیریت نویسنده و برای مرکز مطالعات و تحقیقات و روت مسکن و شهرسازی در حال انجام است.